



# بودا

فولکر زوتز

ترجمهٔ پریوش شهابی



# فهرست

---

---

---

---

---

---

---

---

|                              |     |
|------------------------------|-----|
| یادداشت ناشر                 | ۱۱  |
| مقدمهٔ دبیرمجموعه            | ۱۳  |
| اینگونه شنیده‌ام             | ۱۵  |
| ظهور و افول                  | ۲۳  |
| شرامنه گوتمه                 | ۳۳  |
| روشن‌شدگی (تنویر)            | ۴۳  |
| آموزگار خدایان و انسان‌ها    | ۵۳  |
| فلسفهٔ بودا                  | ۶۷  |
| راه رستگاری                  | ۷۹  |
| موضوعات اجتماعی              | ۹۱  |
| مرگ بودا                     | ۱۰۳ |
| گوتمه که بود؟                | ۱۱۳ |
| پی‌نوشت                      | ۱۱۹ |
| دربارهٔ نویسنده              | ۱۳۳ |
| بررسی اجمالی گسترش آیین بودا | ۱۳۵ |
| بودا از نگاه دیگران          | ۱۳۷ |

## این گونه شنیده ام

بودیسم یکی از کهن ترین ادیان با دیدگاه‌های جامع و متنوع است. این مذهب بیش از دو هزار سال قبل در شمال هندوستان پدید آمد و تأثیر عمیق و دامنه‌داری بر زندگی سرزمین مبدأ خود گذاشت. مدتها پیش از آنکه در قرن سیزدهم از مرزهای هندوستان فراتر رود، در چین، ژاپن، جنوب شرقی آسیا و هندوچین، تبت و بعدها در مغولستان هم پیروانی یافت؛ بر فرهنگ این کشورها تأثیر عمیقی گذاشت و تا امروز در کنار اهمیت خود در مقام فرقه‌ای



گوتمه (هندوستان، قرن پنجم، سارنات، موزه باستان شناسی)

مذهبی، خط مشی جدیدی را در فلسفه، ادبیات، هنر، سیاست و اقتصاد این کشورها به وجود آورده است. عقاید بودایی به گونه‌ای فزاینده بر اروپا و آمریکا نیز تأثیر گذاشته است.

جنبش بودایی بنیان‌گذاری تاریخی به نام «گوتمه سیدرته» دارد که خود را بودا «بیدار دل» «روشنی یافته» می‌نامید. او نه با نام خود «سیدرته» و با نام خانوادگی اش «گوتمه» بلکه با همین نام (بودا) در مغرب زمین شهرت یافت.

پیش از توصیف و ترسیم زندگی و آثار گوتمه، ناگزیر از طرح برخی مسائلی هستیم که از بررسی دقیقی منتج شده‌اند. پی بردن به ماهیت گوتمه در مقام شخصیتی متعلق به فرهنگی کهن به آسانی



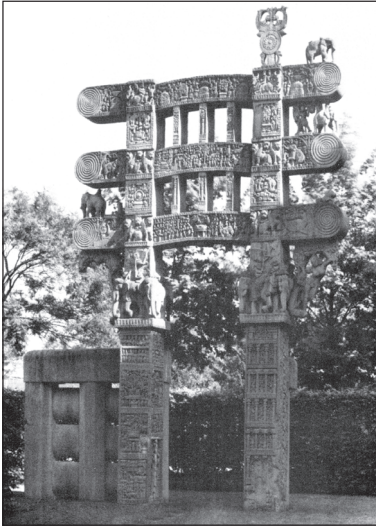
هنرکهن بودایی شخص گوتمه را به تصویر نمی‌کشد و حضور او را به صورت نمادین نشان می‌دهد برای نمونه در این مراسم بزرگداشت، درخت نمادی از حضور اوست. (هندوستان، قرن دوم، کلکته، موزه هند)

و به طور مستقیم شدنی نیست. ترجمه متون موجود و بازسازی رخداد‌های مهم امکان پذیر است؛ با وجود این آیندگان نمی‌توانند به روابط عمده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و انسانیِ شخصیتی پی ببرند که بانی رویدادها و گفتارهای بعدی شد. نیاز به تفسیر همواره وجود دارد تا نافهمیده‌ها را توجیه و دسترس‌ناپذیرها را دسترس‌پذیر کند. همه آگاهی‌های موجود درباره گوتمه را مدیون دو گونه روش تفسیر هستیم: مدارس آسیایی بودایی و پژوهش‌های اولیه و مدرن اروپایی در مورد بودیسم.

مدارس بودایی می‌کوشیدند در گذر از دگرگونی‌های زمان و فرهنگ، نقش گوتمه و آموزه‌های او را همچون حقایق مذهبی پاس بدارند. سنت جدید بودیسم

می‌کوشد با روش‌های علمی زبان‌شناسی، ادبیات و تاریخ به خاستگاه بودیسم دست یابد. به همین سبب برداشت‌های مفسران مذهبی و علمی از موضوع تفسیر شده بسیار متفاوت است. در قرن نوزدهم هنگامی که در اروپا بررسی بودیسم آغاز شد، بسیاری از پژوهشگران منکر هویت تاریخی گوتمه شدند. امیل سنارت (۱۸۴۷-۱۹۲۸) بر این باور بود که بودای سنتی تنها یک هویت مجازی است که در اصل خدای خورشید بوده است.<sup>۱</sup> هندریک کرن (۱۸۳۳-۱۹۱۷) سرگذشت گوتمه را تفسیری نمادین از واقعات ماوراءالطبیعه تعبیر کرد.<sup>۲</sup> ریچارد اتو فرانک (۱۸۶۲-۱۹۲۸) بخش گسترده‌ای از گفته‌های بازگو شده از زبان گوتمه را «پرگویی‌های ملال آور و بیهوده‌گویی‌های بی‌ربط» توصیف کرد<sup>۳</sup> و با توجه به کشف آرامگاه گوتمه در ۱۸۹۸ همراه با خاکسترانی که نام او بر آن حک شده بود، یادآور شد که این جریان نیز همانند پیدایش بسیاری دیگر از اجساد قدیسان، تنها پنداری توهم‌آمیز بوده است.<sup>۴</sup>

اتو فرانک و دیگر پیشگامان مهم مکتب بودیسم بر آن بودند که نشان دهند بانی بودیسم شخصیتی اسطوره‌ای بوده که به شکل انسان تجلی یافته و تأثیر فردی آشکاری هم از او بر جا نمانده است. تئوری‌های آنان بازتاب چگونگی رویارویی اروپا با دیگر فرهنگ‌ها در آن زمان است. سرزمین‌هایی که بودیسم در آن‌ها رواج یافت، به طور گسترده‌ای یا مستعمره اروپا بودند



دروازه استوپا (Sanci، قرن اول قبل از میلاد) با ساختن مقبره‌های تپه شکل بر فراز بقایای خاکستر و استخوان‌های گوتمه به او ادای احترام می‌کردند (برلین، موزه هنرهای هندی)

و یا از نظر اقتصادی و سیاسی وابستگی بسیاری به آن داشتند و ساکنان آن‌ها مبلغان ادیان غربی بودند. حس تفوق و برتری حاکم بر اروپا نمی‌خواست پذیرد که در دوران باستان خارج از اروپا، شخصیت‌هایی یافت می‌شدند که هم پایه فلاسفه یونانی به شمار می‌آمدند و یا این که در آن جا دینی جهانی ظهور یافته است که قدمتی بیش از ادیان رایج در اروپا دارد. نظریه تاریخی نبودن اقوام غیر مسیحی، آن چنان که هگل بازتاب داد، دستاویزی شد تا به یاری آن، پژوهشگران بکوشند با نظریه‌های خیال‌پردازانه دیگری، تاریخی نبودن یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های تاریخی را اثبات کنند.

در پی تلاش دانشمند هندشناسی به

نام هرمان اولدن برگ (۱۹۲۰-۱۸۵۴) سرانجام سابقه تاریخی گوتمه به رسمیت شناخته شد. اولدن برگ در تحلیل‌هایش در مورد منابع، مواردی را که یک عقل واقع‌گرا واقعیت می‌پندارد، از انگاره‌های بی پایه و افسانه‌های بی مایه‌ای که در روایات فراوان یافت می‌شود، جدا کرد. او دیگر شواهد و مدارک باقی مانده را در اثرش به نام بودا که در ۱۸۸۱ منتشر شد، به زندگینامه بودا افزود که زندگی و آموزه‌های گوتمه را با توجه به محیط هندوستان آن دوران تعبیر و تفسیر می‌کرد.<sup>۵</sup> شیوه و روش اولدن برگ و تصویری که او بر آن اساس از گوتمه ارائه کرد تا به امروز تأثیر بسزایی بر برداشتهای اروپاییان در مورد بودا گذاشته است. تلاش او برای نمایان کردن آنچه که هسته و منشأ تاریخی روایات به شمار می‌آید، هم چنان اعتبار بالایی دارد. البته اثر اولدن برگ نیز تحت تأثیر تکبر و نخوت حاکم بر غرب در آن زمان قرار گرفته است. به عنوان نمونه در آن جا که او باور دارد «ملت هند خود به تنهایی توان لازم را برای خودسازی فردی نداشت» و یا «در همه دوران هندی‌ها دچار کمبود شخصیت‌های خلاق بوده‌اند»<sup>۶</sup> چنین پیش‌دوری‌ها و غرض‌ورزی‌هایی منجر به پدید آمدن نظریه بودیسم بدبین شد که به عنوان نهضت نفی جهان، با خوش بینی اروپایی‌ها در مورد هستی و وجود، ناهمگون بود. به همین دلیل حامیان جنبه‌های والای فرهنگ و شیوه زندگی غربی، در مورد ویژگی‌های ضد اجتماعی

آموزه‌های بودا هشدار دادند. برخلاف آن، انکار جهان نزد هواداران جنبش بودایی در اروپا امتیاز مثبتی به دست آورد. این پذیرش زمانی روی داد که «آرتور شوپنهاور» (۱۷۸۸-۱۸۶۰) فلسفه خویش را با فلسفه بودا هماهنگ دانست.<sup>۷</sup> هنگامی که ناهمگونی بودیسم بدبین، غیر فعال و بی‌اعتنا به امور دنیوی در قیاس با غربِ فعال از سوی طرفداران و نیز از سوی مخالفین آموزه‌های بودا پذیرفته شد، اصول بنیادین بودیسم مورد تأیید همگانی قرار گرفت. این ارزش‌ها بیشتر از آن که نشأت گرفته از منابع بودایی باشد، برخاسته از افکار حاکم بر اروپای سده نوزدهم است و تصویر بودا را تا امروز تحت تأثیر قرار داده است. برای نمونه اگرچه بخش گسترده‌ای از آموزه‌های بودا به موضوعات روزمره و اجتماعی می‌پردازد، اما حتی آثار جدیدتر نیز به موضوع دوره‌گردانی می‌پردازد که در پی رسیدن به رهایی و رستگاری ترک خانمان کرده‌اند. پیش‌داوری فیلسوفان بدبین تأکید مغرضانه‌ای بر عمده‌ترین خواست بودایی یعنی «دنیا‌گریزی» دارد. موفقیت‌گوترمه در هندوستان و نهضت او در آسیا تنها زمانی قابل توجیه است که فرض را بر کلیشه نژادپرستانه و متعصبانه انکار جهان از سوی آسیایی‌های غیرفعال و بی‌تفاوت بگذاریم. البته همان منابعی که گوترمه را سرمشق جامعه‌ای توصیف می‌کنند که از دل‌بستگی‌ها و خواسته‌های دنیوی دل برکنده‌اند، بیانگر ابعاد دیگری از شخصیت او نیز هستند. آنان گوترمه را مشاور نام برده‌اند که ضمن این‌که بسیار مورد پرسش و طرف مشورت قرار می‌گرفت، خود از توجه به امور دنیوی فارغ بود. او برای اموری مانند ازدواج و طلاق نیز همانند مسائل اجتماعی و یا مجازات اعدام اهمیت قائل بود؛ به بازرگانان در مورد حفظ و اداره اموالشان توصیه‌هایی می‌کرد و به حکام در مورد حکمرانی مطلوب و پیشرفت سرزمین‌شان نظر مشورتی می‌داد. برای این‌که بتوان حق مطلب را کامیاب در مورد گوترمه ادا کرد، باید تمامی این عناصر را مورد توجه قرار داد. افزون بر کنار گذاشتن جنبه‌های مهم منابع، مفاهیم غیرهمسان زبانی نیز می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند. مفاهیمی که بازگوکننده آموزه‌های بودا بودند تحت تأثیر شرایط و اوضاع اروپا قرار گرفتند و با معانی گوناگونی مستتر شدند که خود به خود فهم پیام اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دادند. مفاهیمی همچون «مذهب»، «فرد» و یا «مرگ» برای خواننده غربی تصوراتی را بر می‌انگیزد که مطمئناً با تصورات مردم هند در دو هزار سال قبل مطابقت ندارد. نه تنها تغییر بار احساسی یک‌یک کلمات بلکه آنچه که به منزله منطق اندیشه و استدلال و برهان به شمار می‌آید، انتقال گفتارهای فلسفی و مذهبی را دشوار می‌کند. منطق اروپایی و یا به عبارتی ارسطویی، اصل را بر عدم تناقض می‌گذارد و معتقد است که چنانچه دو گفته با یکدیگر تناقض داشته باشند، حداقل یکی از آن دو اشتباه است. بر همین اساس به عنوان مثال یک فرد نمی‌تواند هم‌زمان هم وجود داشته و هم وجود نداشته باشد. در هندوستان دوره گوترمه روش تفکر این‌گونه نبود. به همین دلیل از او می‌پرسیدند که آیا معنای رستگاری برای وی «وجود»، «عدم وجود»، «هر دو»